
ایجاد مرگ مغزی به عنوان اعدام

پاسخگوی موانع فقهی و حقوقی پیوند عضو محکومین به ازهاق نفس

مؤلف:

دکتر سید حامد عوض پور

www.kotab.ir

سرشناسه	عوض پور، سیدحامد، ۱۴۶۷-
عنوان و نام پدیدآور	ایجاد مرگ مغزی به عنوان اعدام: پاسخگوی موانع فقهی و حقوقی پیوند عضو محکومین به ازهاق نفس / مولف سیدحامد عوض پور.
مشخصات نشر	تهران: کلیدپژوه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۴۲۸ص.
شابک	978-622-8001-44-9
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۴۰۵-۴۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	پاسخگوی موانع فقهی و حقوقی پیوند عضو محکومین به ازهاق نفس.
موضوع	اهدای اندامها و بافتها (فقه) Donation of organs, tissues, etc. (Islamic law) مرگ مغزی (فقه) Brain death (Islamic law) قصاص (فقه) -- ایران IranLex talionis (Islamic law)
رده بندی کنگره	BP۱۹۸/۶
رده بندی دیویی	۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۹۵۶۵۷۱۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
 قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

ناظر نشر و چاپ: دکتر کبری سبزعلی یمقانی
 تیراژ: ۱۰ جلد

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خ آزادی، جنب سینما مرکزی، کرجه مهرناز، ساختمان ۱۱۰، طبقه اول، واحد ۱۷.

سایت انتشارات کلید پژوه: www.kelidpazhouh.com



تلفن: ۰۲۱۶۶۱۲۸۶۲۲

مسئولیت صحت مطالب و پاسخگویی به شکایات‌های حقوقی و معنوی کتاب بر عهده مترجم یا مؤلف می‌باشد.
 کلیه حقوق برای مترجم یا مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	فصل اول جنبه‌های فقهی، اخلاقی و حقوقی تبدیل اعدام به اهدا و پیوند عضو.....
۴۱.....	فصل دوم مفهوم و ماهیت مجازات اعدام.....
۱۲۱.....	فصل سوم مبانی و مواد استخراج حکم در نظام فقهی و حقوقی اسلام.....
۲۱۹.....	فصل چهارم بررسی جوانب حقوقی مرگ مغزی و پیوند عضو از منظر فقه و پزشکی.....
۲۸۹.....	فصل پنجم بررسی حقوقی قاچاق عضو و راه‌های جلوگیری از آن.....
۳۶۳.....	فصل ششم امکان وقوع ایجاد مرگ مغزی.....
۴۰۱.....	جمع‌بندی نهایی.....
۴۰۵.....	منابع و مأخذ.....
۴۰۵.....	فهرست منابع.....

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمَتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ

اما بعد

مجازات مجرم نوعی ضمانت اجرای اعمال یا ترک اعمالی است که از انسان رخ می دهد و قانون آن را جرم دانسته است. قانون مجازات ها را مشخص می کند و انواع آن ها را روشن می سازد و هم چنین نحوه ی اجرای آن ها را اعلام می دارد. در سیستم حقوق کیفری اسلام مجازات ها به چهار قسمت تقسیم شده اند که عبارتند از: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. مجازات مرگ و اعدام یکی از شدیدترین، سخت ترین و بحث برانگیزترین کیفر و مجازات قانونی می باشد که برای سلب حیات بزه کار در نظر گرفته شده است به طوری که این مجازات برای مجرمانی است که از یک طرف امکان اصلاح آنان وجود ندارد و از طرف دیگر مرتکب اعمالی شده اند که برای افراد و جامعه بسیار خطرناک بوده و باعث ایجاد رعب و ناامنی در بین آن ها شده است که به وسیله ی آن، دولت، حیات فردی بزهکار را به دلیل انجام یک جرم سلب می نماید. شیوه ی اجرای مجازات اعدام هم چون سایر مجازات ها در طول تاریخ دوران پرفراز و نشیبی را سپری کرده است به طوری که در دوارن ابتدایی، اجرای چنین مجازاتی به طرز بسیار فجیع و وحشیانه همراه با شکنجه های طاقت فرسا که یکی از ارکان جدایی ناپذیر آن خوانده می شد همراه بود، لکن به تدریج مشاهده می کنیم که با پیشرفت علم و فرهنگ هر چه به سمت جلو حرکت می کنیم از شدت شکنجه در اجرای آن کاسته شده است و حتی الامکان به شکل ملایم و معتدل تری خاتمه دادن به حیات بزهکار اجراء می گردد. حیات حق انسان است. برای تحقق و احقاق (ثبوت و اثبات) این حق ناگزیر از تمسک به بایدها و نبایدهایی هستیم. چه کارهایی باید کرد تا این حق بهتر و زیباتر جاری شود و چه کارهایی نباید کرد تا این حق مختل و رنج آور

شود. قصاص فرهنگ زندگی راهکاری است پویا و حیات بخش که از سوی حق برای پاس داشت و نکو داشت این حق ارایه شده است. قصاص هم باید است و هم نباید، هم جامع است و هم مانع. قصاص یک فرایند حیات بخش است. از احترام به حیات دیگران تا دهن کجی به افراد مخل و تنبیه آن‌ها تا جلوگیری از ناپیدهای بعدی و ... همه قصاص خوانده می‌شوند. آن چیزی که به عنوان قصاص شناخته می‌شود (تنبیه مجرم) حلقه‌ای از حلقات میانی قصاص است که مثل دیگر حلقه‌ها در خدمت حفظ حیات فرد و جامعه است. با توجه به رسالت قصاص آیا امکان جای‌گزینی یا به‌گزینی یکی از این حلقه‌ها وجود دارد؟ گزینه‌ی اجرای کیفر قصاص نفس به شیوه‌ی ایجاد مرگ مغزی مسأله‌ای است نوپدید و مستحدثه که با توجه به رسالت قصاص درخور توجه و بررسی می‌نماید. البته بکارگیری و استخدام این شیوه نیاز به بررسی و تطبیق در مبانی و اصول فقهی و حقوقی دارد. در هر مامور در هر سال بسیاری از افرادی که حتی سابقه‌ی جرم نیز نداشته‌اند اعدام می‌شوند. یکی به جرم قاچاق مواد مخدر، یکی به جرم زورگیری، دیگری به جرم خشونت منجر به قتل و غیره. به طور کلی مجازات اعدام به خاطر اجرای یکی از موارد فوق انجام می‌گیرد. قصاص گرچه حق مسلم اولیاء دم است اما می‌توان برای خشکاندن «کینه و دشمنی» از این فرصت استفاده کرد و بذر محبت و ماندگاری را افشاند و نامی نیک را برای همیشه در افکار عمومی بر جای گذاشت. ماده‌ی ۴۰ آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و ... بیان کرده است: مجازات‌های اعدام و قصاص نفس به صورت حلق آویز و از طریق طناب‌دار و یا به شیوه‌ی دیگر که کمترین آزار را برای محکوم داشته باشد، اجراء می‌شود. همچنین در ادامه ماده‌ی ۴۷ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: چنان‌چه محکوم داوطلب اهدای عضو پیش یا پس از اجرای مجازات اعدام باشد و مانع پزشکی برای اهدای عضو موجود نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری طبق دستورالعملی اقدام می‌نماید. بنابراین انحصار

اجرای اعدام به حلق آویز کردن که توسط قاضی بر آن تاکید می‌شود خلاف قانون است و هم چنین ارجاع آن به موافقت دیوان عالی کشور و منوط شدن آن به ارایه لایحه و روند طولانی در تصویب آن هم دلیلی ندارد، کافی است قاضی صادرکننده حکم به استناد ماده‌ی یاد شده و هم چنین دلایلی^{۱۱} که ان شاء الله^{۱۲} در طول تحقیق به آن‌ها اشاره خواهیم کرد نحوه‌ی اجرای حکم را به شیوه‌ای دیگر تعیین کند.

پیوند اعضا یکی از علوم جدیدی است که در سال‌های اخیر با توسعه‌ی علوم و فن‌آوری‌های نوین با پیشرفت چشم‌گیری مواجه بوده به طوری که شاید انسان‌ها حتی این پیشرفت‌ها را در رویاهای خود هم نمی‌دیدند. این مهم یکی از آرزوهای دیرینه‌ی بشر در علم پزشکی بوده و هم‌چنان با پیشرفت تکنولوژی این علم هم رفته رفته در حال پیشرفت بوده به گونه‌ای که امیدهای تازه‌ای برای حیات دوباره بخشیدن به افرادی که به دلیل نقص یکی از اعضای اصلی بدن یا نقص در سایر اعضا با بیماری و مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند، ایجاد کرده است. پیشرفت علم پزشکی در مسأله‌ی پیوند، مسایل و مباحث مستجدته و جدیدی را به بار آورده که در این میان می‌توان به پیشنهاد قابلیت یا عدم قابلیت اجرای قصاص از طریق ایجاد مرگ مغزی که یکی از اهداف فرعی آن اهدای اعضا می‌تواند باشد اشاره نمود. با توجه به این که دین اسلام یک دین پویا و زنده‌ای می‌باشد چرا که گفته‌اند اسلام را با هیچ بن‌بستی برابری نیست لذا باید پاسخ‌گوی تمامی مسایل در همه‌ی دوران‌ها و ابعاد مختلف باشد ولی با توجه به شدت و اهمیت موضوع و از آن جا که چنین مسایلی در دوران قبل وجود نداشته در منابع فقهی و حقوقی معتبر موجود بحث مستقلی در این باره وجود نداشته است؛ بنابراین به ناچار با تکیه بر استدلال‌ها و استنباط‌های فقهی و حقوقی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ